یادداشت روز

تحریم و قطعنامه
سوغات جریان غربگرا برای مردم ایران

۱- ظهر روز پنجشنبه ۲۹ آبان، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، قطعنامه‌ای جدید علیه برنامه هسته‌ای ایران تصویب کرد؛ قطعنامه‌ای که با ادعای «عدم همکاری ایران با بازرسان» طراحی شده و از سوی آمریکا و سه کشور اروپایی(انگلیس، فرانسه و آلمان) به پیش برده شد. این سناریو درست پنج ماه پس از حمله نظامی آمریکا به سه مرکز هسته‌ای تحت نظارت آژانس در ایران رخ داد.

۲- نکته مهم آن‌که این دومین قطعنامه ضدایرانی شورای حکام در دولت چهاردهم است. دولت جناب آقای پزشکیان و وزارت خارجه با مدیریت جناب آقای عراقچی در یک‌سال اخیر برای پیشبرد دیپلماسی چندجانبه، اقدامات خوبی انجام داده‌اند اما متاسفانه برخی از اقدامات دولت، خواسته یا ناخواسته همسو با جریان غربگرا اتخاذ می‌شود.

به عنوان نمونه، کلیدواژه «مذاکره مسلح» که در روزهای گذشته از سوی مقامات وزارت خارجه مطرح شد، با استقبال ویژه جریان غربگرا مواجه شد. کلیدواژه‌ای تأمل‌برانگیز که صرفا جهت بزک و تطهیر مذاکره با آمریکا قابلیت دارد. مذاکره‌ای که بن‌بست محض است.

۳- یک واقعیت بدیهی وجود دارد و آن این است که تحریم‌ها و قطعنامه‌ها نه محصول مقابله با غرب، بلکه نتیجه راهبرد غلط جریان غربگرا در اعتماد، عقب‌نشینی و امتیازدهی یک‌طرفه بوده است. این جریان سیاسی بدسابقه، رکورددار تولید و تحمیل بیشترین قطعنامه‌ها و سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه مردم ایران است و تاریخ حداقل ۲۰ سال گذشته، دقیق‌ترین سند این ادعاست.

اولین قطعنامه شورای حکام علیه ایران در شهریور ۱۳۸۲ و در دولت خاتمی صادر شد؛ در شرایطی که ایران حتی در ماهیت برنامه هسته‌ای خود در سطح آزمایشگاهی نیز در حال همکاری بود. علی‌اکبر صالحی، نماینده وقت ایران در آژانس در هنگام بررسی قطعنامه، به‌جای رأی منفی و دفاع از منافع کشور، از جلسه خارج شد تا قطعنامه با اجماع تصویب شود؛ اشتباهی تأمل‌برانگیز که حتی دیپلمات‌های غربی نیز بعدها از آن به‌عنوان «فرصت طلایی برای مهار ایران» یاد کردند.

از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، یعنی فقط طی دو سال مذاکره با سه کشور اروپایی در توافق سعدآباد؛ ۷ قطعنامه علیه ایران صادر شد. در همان مقطع تعداد سانتریفیوژها از ۵۰۰ به چند عدد رسید و ایران تمام فعالیت‌های هسته‌ای خود را تعلیق کرد. اما در مقابل، نه‌تنها تحریمی لغو نشد بلکه زیرساخت حقوقی تحریم‌های بعدی فراهم شد.

این تجربه مبنای یک واقعیت مهم است و آن اینکه هرجا عقب‌نشینی کردیم، غرب جلو آمد و هرجا اعتماد کردیم، طرف غربی پرونده‌سازی کرد و هرجا امتیاز دادیم، تحریم‌ها بیشتر شد.

۴- با این حال جریان غربگرا امروز تلاش می‌کند قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت را به گردن دولت‌هایی بیندازد که همسو با آن‌ها نبوده است. اما این ادعا در حالی است که قطعنامه ۱۹۲۹ به عنوان یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران در سالگرد فتنه ۱۳۸۸ و با حمایت کامل دولت اوباما علیه ایران صادر شد. به عبارت دیگر، این قطعنامه برای احیای جریانی که چندماه قبل‌تر در آشوب‌های خیابانی و کودتای مخملی شکست خورده بود، تصویب و اجرا شد.

نکته قابل تأمل اینجاست که برخلاف ادعای جریان غربگرا، صدور این قطعنامه هیچ ربطی به غنی‌سازی ۲۰درصد یا افزایش سانتریفیوژها نداشت؛ بلکه کاملاً یک اقدام حمایتگرانه از جریان غربگرا در داخل بود. جریانی که بیشترین تحرک و مشارکت را علیه منافع کشور در فتنه ۸۸ داشت. در آن مقطع، نمایندگان کنگره آمریکا، آشکارا با مواضع جریان فتنه همراه شده و تصمیم گرفته بودند به سمت گزینه تشدید تحریم بروند. بر همین اساس تنها در فاصله یک ماه، سه تحریم پشت سر هم علیه ایران وضع شد.

تحریم اول، که مهم‌تر از همه بود و نیاز به اجماع جهانی داشت تا کلید تحریم‌های بعدی را بزند، تحریم ایران در شورای امنیت بود. یعنی قطعنامه ۱۹۲۹. تحریم‌های بعدی که از راه رسیدند، تحریم‌های جامع آمریکا و تحریم‌های اتحادیه اروپا بودند.

در این مقطع، اجرای تحریم‌های همه‌جانبه، به‌خصوص در زمینه بنزین و دارو با پادویی «شبکه خانواده نمازی» انجام شد. به‌غیر از نمازی‌ها، نیروهایی دیگری هم از داخل ایران بودند که برای تاثیرگذاری بیشتر تحریم‌ها به آمریکایی‌ها مشاوره می‌دادند. از جمله فرزند یکی از مسئولان بلندپایه با پرونده فساد نفتی که ساختار نفت ایران را برای طرف آمریکایی شرح داده و راه مؤثر تحریم را پیشنهاد داده بود. این اقدام خیانتکارانه، چندی بعد توسط یکی از عناصر ضدانقلاب در خارج از کشور و از نزدیکان او در سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت افشا شد.

۵- جریان غربگرا در دولت روحانی ادعا کرد با «فتح‌الفتوح برجام» می‌تواند همه قطعنامه‌های شورای امنیت را لغو کند. نتیجه چه شد؟ برجام امضا شد اما قطعنامه ۲۲۳۱ صادر شد؛ همان قطعنامه‌ای که مکانیسم ماشه را تثبیت کرد. در ادامه، تعداد تحریم‌های ضدایرانی از ۷۰۰ تحریم به ۱۵۰۰ تحریم افزایش یافت و در اقدامی بی‌سابقه، حتی وزیر خارجه وقت(ظریف) نیز تحریم شد.

در همان مقطع، ۱۰ هزار کیلو اورانیوم از کشور خارج شد. تعداد سانتریفیوژها از ۱۹ هزار به ۵ هزار رسید و در قلب رآکتور اراک بتن ریخته شد. در حالی که هدف اعلامی برجام «رفع تحریم» بود؛ اما یکی از نتایج عملی برجام، افزایش تحریم بود.

۶- تناقض بزرگ آنجاست که حتی حمله نظامی به ایران برای اولین‌بار در تاریخ در زمان قطعنامه ۲۲۳۱ رخ داد؛ همان قطعنامه‌ای که قرار بود سایه جنگ را از سر ایران دور کند!

۷- این اعداد و اسناد، تنها یک نتیجه دارد و آن اینکه هر زمان جریان غربگرا سکان سیاست‌خارجی را در دست گرفته، تعداد قطعنامه‌ها، حجم تحریم‌ها و هزینه‌های کشور افزایش یافته است.

شهید فریدون عباسی، دانشمند هسته‌ای و رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی و از شهدای جنگ تحمیلی ۱۲روزه- ۱۸ دی ۱۳۹۵- گفت: «در آستانه راه‌اندازی راکتور اراک بودیم که دولت یازدهم(دولت اول روحانی) روی کار آمد و راه‌اندازی متوقف شد. در زمینه غنی‌سازی نیز، دشمن در طول سال‌های مختلف تلاش کرد آن را تعطیل کند. به عنوان نمونه از سال ۸۲ تا ۸۴ که مذاکرات دست روحانی و ظریف بود، این اتفاق افتاد.»

این دانشمند شهید هسته‌ای در ادامه تصریح کرد: «تئوری که این دوستان به آن معتقد بودند، تئوری عقب‌نشینی بود. یعنی بروند و امتیاز بدهند و همه‌چیز را تعطیل کنند، تا آنها دست بردارند. هرچه اینها عقب نشستند، همین سه کشور اروپایی پیش‌نویس قطعنامه را به شورای حکام آژانس دادند و تقریبا هفت قطعنامه شورای آژانس را در دو سالی که اینها مذاکره می‌کردند، دریافت کردیم.»

۸- حقیقتی که جریان غربگرا عامدانه پنهان می‌کند، این است که تحریم‌ها ابزار اصلی مهار ایران‌اند و مهار ایران بخشی از استراتژی کلان آمریکا در غرب آسیاست. بر همین اساس، هرچقدر ایران ضعیف‌تر باشد، فشار بیشتر می‌شود و عقب‌نشینی، نه‌تنها تحریم را کم نمی‌کند بلکه شهوت غرب برای فشار بیشتر و امتیازگیری را بیشتر می‌کند.

از نگاه حکومت غارتگر و تروریست آمریکا، ایرانِ دارای صنعت هسته‌ای، توان دفاعی، نفوذ منطقه‌ای و قدرت بازدارندگی، باید مهار شود.

۹- جریان غربگرا در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته وعده داد که اگر دولت با دست‌فرمان آن‌ها پیش برود، تنش‌زدایی و رفع تحریم و گشایش اقتصادی رخ خواهد داد.

اما گذر زمان دقیقاً خلاف این ادعاها را ثابت کرد. در این مدت قریب به ۵۰۰ فرد و نهاد ایرانی و یا مرتبط با ایران تحریم شدند. همچنین شورای حکام در آذر پارسال و آبان امسال، دو قطعنامه علیه ایران صادر کرد. در این مدت، سه قطعنامه حقوق بشری نیز علیه ایران تصویب شد. علاوه‌بر این در خرداد و تیرماه امسال، جنگ ۱۲روزه به ایران تحمیل شد و در سال گذشته نیز ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران رخ داد.

اینها نتیجه همان نسخه‌ای است که جریان غربگرا به کشور تحمیل می‌کند؛ از جمله تعامل یک‌طرفه، بدون قدرت، بدون بازدارندگی و بدون فهم واقعیت‌های قدرت در روابط بین‌الملل و عرصه سیاست‌خارجی.

۱۰- یک سؤال؛ چرا نسخه غربگرایان همیشه شکست می‌خورد؟ پاسخ روشن است؛ زیرا براساس یک توهم شکل گرفته است و آن اینکه «اگر امتیاز بدهیم و اگر عقب‌نشینی کنیم و اگر دستاوردها را تعطیل کنیم، آمریکا و دولت‌های غربی به ما احترام می‌گذارند.»!

تاریخ حداقل ۲۰ سال گذشته ایران یک درس مهم دارد و آن اینکه قدرت‌سازی، تحریم را کم می‌کند و عقب‌نشینی، تحریم را افزایش می‌دهد. بر همین اساس تعامل یک‌طرفه با غرب نه‌تنها باعث رفع تحریم نشده بلکه موتور تولید تحریم بوده است. به همین علت می‌توان گفت که قطعنامه‌ها، سوغات جریان غربگرا به مردم ایران‌اند. سوغاتی تلخ و خسارت‌بار.

در دهه‌های اخیر موفقیت‌های ایران دقیقا در مقاطعی رخ داده که دیپلماسی مقتدرانه و چندجانبه و اتکا به توان داخلی در رأس حرکت دولت قرار گرفته است.

امروز نیز همان قاعده برقرار است. اگر می‌خواهیم تحریم و قطعنامه بی‌اثر شود، باید قدرت ملی را افزایش داده و توهم اعتماد به غرب را به زباله‌دان تاریخ بیندازیم.

مسعود اکبری

گزارش خبری تحلیلی کیهان

آژانس برای چندمین بار نشان داد دست‌نشانده آمریکاست

سرویس سیاسی- **تصویب قطعنامه جدید شورای حکام علیه ایران بار دیگر نشان داد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نه ناظر فنی، بلکه بازوی سیاسی آمریکا و اروپا در پروژه فشار بر جمهوری اسلامی است؛ نهادی که با مدیریت گروسی عملاً از بیطرفی فاصله گرفته و در هماهنگی کامل با واشنگتن و تل‌آویو علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران صف‌آرایی کرده است.**

در حالی‌که قریب به ۲۲ سال از آغاز مناقشه ساختگی و ادعاهای غرب بر سر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران می‌گذرد، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر با صدور قطعنامه‌ای جانبدارانه ثابت کرد این نهاد نه تنها ناظر بیطرف نیست، بلکه یکی از ابزارهای عملیاتی آمریکا و اروپا در جنگ فشار، تهدید و مهار علیه جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. روز پنجشنبه ۲۹ آبان‌ماه ۱۴۰۴، شورای حکام در ادامه همان سناریوی نخ‌نما، قطعنامه پیشنهادی سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس به همراه آمریکا را علیه ایران تصویب کرد؛ قطعنامه‌ای با ۱۹ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع که به‌وضوح نشان می‌دهد غرب با خرید رأی کشورهای ضعیف و اعمال فشار سیاسی، مکانیزم‌های به‌ظاهر فنی آژانس را به سلاحی در خدمت منافع خود تبدیل کرده است.

نکته قابل‌تأمل آنکه در این قطعنامه، به‌جای محکومیت رژیم صهیونیستی به‌عنوان مهاجم و ناقض صریح حقوق بین‌الملل و پادمان، از ایران خواسته شده درباره تأسیسات هسته‌ای بمباران‌شده همکاری بیشتری با آژانس داشته باشد! یعنی قربانی باید برای تهاجم دشمن پاسخگو باشد و متجاوز، مصون از هرگونه بازخواست!

آژانس؛ نهادی ساخته‌شده برای تضمین منافع ابرقدرت‌ها

برای فهم چرایی این رفتار، باید به بنیان‌های شکل‌گیری آژانس بازگشت. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نهادی است که اساساً در معماری جنگ سرد توسط ابرقدرت‌ها طراحی شد؛ نهادی که قرار بود ظاهر «ناظر بیطرف» داشته باشد، اما در عمل ابزاری برای تضمین منافع هسته‌ای بلوک غرب بود.

تجربه چند دهه گذشته نیز نشان می‌دهد این نهاد هرگز از ساختار بسته، تبعیض‌آلود و هژمون‌محور خود فاصله نگرفته است. نظریه «ثبات هژمونیک» دقیقاً همین روند را توضیح می‌دهد: هژمون برای تثبیت قدرت خود، نهادها و رژیم‌های بین‌المللی را ایجاد یا تسخیر می‌کند تا حتی در دوره افول، ابزارهای لازم برای مدیریت و کنترل رقبا را حفظ کند. در چارچوب همین نظریه، نقش آژانس در ۲۲ سال گذشته کاملاً روشن است: نه تنها بیطرف نبود، بلکه در اکثر موارد در قامت بازوی اطلاعاتی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران ظاهر شده است.

از گزارش‌های مغشوش و با انگیزه سیاسی گرفته تا انتشار اطلاعات محرمانه و حساس ایران در اختیار رسانه‌ها و سرویس‌های بیگانه، همه نشان می‌دهد ماهیت این نهاد با استقلال و عدالت بیگانه است.

از مرگ مشکوک آمانو تا جانشینی گروسی کودتای نرم غرب در آژانس

پس از مرگ مشکوک و تورمانند یوکیا آمانو، غرب فرصت یافت تا در یک فرآیند شتاب‌زده و غیرمتعارف، فردی کاملاً وابسته به خود را در رأس آژانس قرار دهد. انتخابات برای دبیرکلی آژانس دو بار تکرار شد تا نهایتاً با رایزنی‌های فشرده آمریکا و اروپا و جلب نظر کشورهایی که صرفاً به‌دلیل وابستگی اقتصادی و سیاسی مجبورند از غرب تبعیت کنند، رافائل گروسی در رقابت با کورنل فروتا به‌عنوان دبیرکل انتخاب شد.

گروسی از همان ابتدا نشان داد صرفاً یک مدیر و دیپلمات نیست، بلکه یک کنشگر سیاسی با مأموریت ویژه از سوی غرب است؛ فردی که حتی قواعد حداقلی بیطرفی دیپلماتیک را رعایت نمی‌کند و آشکارا از ادبیات، مواضع و اهداف آمریکا و اروپا در برابر ایران تبعیت می‌کند.

رافائل گروسی؛ پدیده‌ای بی‌نقاب در دستگاه هژمون

بسیاری از دیپلمات‌های فعال در نهادهای بین‌المللی تحت سلطه آمریکا، تلاش می‌کنند وابستگی خود به غرب را با ظواهر حرفه‌ای پنهان کنند. اما گروسی پدیده‌ای استثنایی و بی‌نقاب است.

او بارها با سخنان و گزارش‌های جهت‌دار خود وابستگی کامل به غرب را نشان داده و به‌جای ایفای نقش یک مدیرکل ناظر، عملاً در نقش سخنگوی غیررسمی آمریکا و اروپا ظاهر شده است. گزارش‌های متعدد او که بلافاصله به صدور قطعنامه‌های سیاسی در شورای حکام منتهی می‌شود، نشان می‌دهد وی از ابتدا مأموریت دارد روند فشار و پرونده‌سازی علیه ایران را زنده نگه دارد.

تصمیمات گروسی در خردادماه ۱۴۰۴ و صدور گزارش‌هایی که مبنای قطعنامه قبلی شورای حکام شد، بلافاصله از سوی رسانه‌های غربی به‌عنوان «مقدمه‌ای برای حمله اسرائیل به برخی مراکز هسته‌ای ایران» تحلیل شد؛ تحلیلی که متأسفانه در ادامه، با حملات تجاوزکارانه آمریکا به تاسیسات ثبت و تحت رژیم پادمان ایران یعنی فردو، نطنز و اصفهان تحقق یافت.

چشم‌پوشی رسوا از تجاوز اسرائیل آژانس حتی جرات محکومیت ندارد!

نکته‌ای که بیش از همه ماهیت گروسی و آژانس را رسوا می‌کند، رفتار شرم‌آور آنان پس از حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران است.

در حالی که، تجاوز مسلحانه، طبق قواعد آمره حقوق بین‌الملل ممنوع است، قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت صراحتاً کشورها و به طور خاص رژیم صهیونیستی جهان را از حمله به تأسیسات هسته‌ای دیگران منع کرده؛ اسرائیل عضو NPT نیست و به سلاح هسته‌ای مجهز است؛ ایران عضو NPT و دارای تأسیسات تحت پادمان است؛ آژانس و شخص گروسی حتی یک جمله محکومیت رسمی علیه اسرائیل و آمریکا صادر نکرده‌اند!

بدتر آنکه گروسی در اظهاراتی مضحک و غیردیپلماتیک، «نگرانی‌های اسرائیل درباره برنامه هسته‌ای ایران» را موجه دانسته است! یعنی کشوری غیرعضو در NPT و صاحب زرادخانه هسته‌ای حق دارد نگران برنامه صلح‌آمیز ایران باشد، اما ایران حتی حق دفاع از خود را نیز ندارد. این رفتار نه فقط بی‌عدالتی، بلکه بی‌شرمی آشکار است.

هدف گروسی از اصرار بر بازرسی تأسیسات بمباران شده چیست؟

در هفته‌های اخیر گروسی بارها به شکل تهاجمی بر ضرورت دسترسی به تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان - که هدف حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفته‌اند - تأکید کرده است اما سؤال اصلی اینجاست: چرا آژانس باید بر بازرسی از تاسیساتی پافشاری کند که غرب به‌طور غیرقانونی آنها را هدف حمله قرار داده؟

پاسخ روشن است: آنها نه در مقام «بازرس هسته‌ای» بلکه در نقش بازرس نظامی وارد می‌شوند تا میزان کارآمدی یا ناکامی حملات آمریکا و اسرائیل را ارزیابی کنند. آنچه آژانس می‌خواهد، نه نظارت فنی، بلکه اطلاعات عملیاتی برای برنامه‌ریزی حملات بعدی است.

همین مسئله نشان می‌دهد گروسی کاملاً در چارچوب مأموریت امنیتی-سیاسی غرب عمل می‌کند و دست‌نشانده آمریکاست.

آژانس و گروسی ابزار فشار، نه شریک فنی

آنچه امروز مشاهده می‌شود، یک روند مستمر است: قطعنامه‌های پی‌درپی شورای حکام نه حاصل «نگرانی فنی» بلکه محصول لابی‌گری سیاسی غرب و خرید رأی کشورهایی است که نفوذ اقتصادی آمریکا آنها را به اطاعت وادار کرده است.

در چنین شرایطی ادامه همکاری با آژانس، به‌ویژه مادامی‌که گروسی و طیف غرب‌گرای او در رأس این نهاد حضور دارند، خسارتی آشکار برای منافع ملی ایران است. تجربه نشان داده است که هر نوع همکاری اضافی، هر عقب‌نشینی و هر حسن‌نیت ایران نه تنها باعث کاهش فشار نشده بلکه به ابزار جدیدی برای پرونده‌سازی تبدیل شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

چرا برداشتی؟!

گفت: محتوای پیام آقای پزشکیان برای بن‌سلمان که قبل از سفر بن‌سلمان به آمریکا به او داده شده است چه بود؟!

گفتم: سخنگوی دولت اعلام کرده «در این پیام بر قدردانی ویژه از همکاری‌های دولت عربستان در تسهیل امور حجاج ایرانی در موسم حج امسال تأکید شده است».

گفت: پس چرا برخی از مدعیان اصلاحات آب از لب و لوچه‌شان سرازیر شده و ادعا می‌کنند این پیام برای میانجیگری بن‌سلمان میان ایران و آمریکا بوده است(!)

گفتم: ولی علاوه‌بر سخنگوی دولت، سفیر ایران در عربستان، رئیس سازمان حج و سخنگوی وزارت خارجه هم این ادعا را به شدت تکذیب کرده‌اند. تازه همین دیروز هم ترامپ در دیدار بن‌سلمان به شدت از این که ایران حاضر به کنار آمدن با آمریکا نیست ابراز عصبانیت کرده است و...

گفت: باید دید این مدعیان اصلاحات که آن همه از بغل دولت به آلاف و اولوف رسیده‌اند حالا که حرکت دولت را با آرزوی ذلت‌بار خود همسو نمی‌بینند چه ساز دیگری کوک می‌کنند؟! یعنی از دروغ‌گوئی برای خوشامد دشمن دست بر می‌دارند و یا...؟!

گفتم: یارو به یکی از دوستانش زنگ زد. طرف گفت؛ من فلانی نیستم، شماره را اشتباه گرفته‌اید. یارو به جای اینکه عذرخواهی کند، گفت؛ اگر اشتباه گرفته‌ام، چرا گوشی را برداشتی؟!

واکنش عراقچی به قطعنامه جدید شورای حکام:

تفاهم قاهره رسماً خاتمه یافته است

وزیر امور خارجه در واکنش به قطعنامه شورای حکام گفت: هر چند بعد از اسنپ‌بک تفاهم قاهره عملا دیگر مبنایی در روابط ایران و آژانس در حوزه پادمان نبود، اما امروز طی نامه رسمی به مدیرکل آژانس اعلام شد که این تفاهم دیگر معتبر نبوده و خاتمه یافته تلقی می‌شود.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز پنجشنبه ۲۹ آبان‌ماه در واکنش به اقدام غیرقانونی و ناموجه سه کشور اروپایی و آمریکا در ارائه قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که با فشار این ۴ کشور و علی‌رغم رای مخالف و ممتنع ۱۵ عضو به تصویب رسید، گفت: این کشورها با این اقدام خود و بی‌توجهی به تعاملات و حسن نیت ایران، اعتبار و استقلال آژانس را خدشه‌دار کرده و موجب اخلال در روند تعاملات و همکاری‌های آژانس و ایران می‌شوند.

عراقچی افزود: هر چند پس از انجام اقدام غیرقانونی سه کشور اروپایی در شورای امنیت سازمان ملل برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده شورای امنیت، تفاهم قاهره عملا دیگر مبنایی در روابط ایران و آژانس در حوزه پادمان نبود، اما امروز طی نامه رسمی به مدیرکل آژانس اعلام شد که این تفاهم دیگر معتبر نبوده و خاتمه یافته تلقی می‌شود. لی سونگ خاطرنشان کرد که در ماه ژوئن امسال، اسرائیل و آمریکا به طور شیوه جدید همکاری دست یافتند. همان زمان عراقچی اعلام کرد که در صورتی اقدام خصمانه‌ای علیه ایران صورت گرفته یا اسنپ‌بک فعال شود، این تفاهمنامه متوقف خواهد شد.

به گزارش فارس، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز پنجشنبه ۲۹ آبان‌ماه قطعنامه پیشنهادی ۳ کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس و آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران را تصویب کرد. این قطعنامه، با ۱۹ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصویب شد. در این قطعنامه از ایران خواسته شده درباره تأسیسات هسته‌ای که در حمله اخیر بمباران شده با آژانس همکاری کند.

واکنش تند چین به تصویب قطعنامه ضدایرانی غرب در شورای حکام

به‌دنبال تصویب قطعنامه پیشنهادی تروئیکای اروپایی و آمریکا درباره مسئله هسته‌ای ایران از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روز ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان)، نماینده دائم چین در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سخنانی، ضمن تشریح موضع کشورش، تاکید کرد که زور و تقابل راه‌حل مسئله هسته‌ای ایران نیست. لی سونگ خاطرنشان کرد که در ماه ژوئن امسال، اسرائیل و آمریکا به طور گستاخانه تأسیسات هسته‌ای ایران را که تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشتند، بمباران کردند که منجر به تغییر عمده‌ای در روند مسائل هسته‌ای ایران شد. جامعه بین‌المللی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید این اقدام نابخردانه را که همه مردم دنیا آن را اقدامی اشتباه می‌دانند، شدیداً محکوم کنند. وی افزود: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ایران در ماه سپتامبر در قاهره به توافق رسیدند تا همکاری طرفین درباره مسئله هسته‌ای از سر گرفته شود. این پیشرفت، مثبت فرصت مهمی برای بازسازی همکاری نظارتی و تضمینی میان طرفین به حساب می‌آمد. اما انگلیس، فرانسه و آلمان سرسختانه مکانیسم «بازگشت سریع تحریم‌ها»(مکانیسم ماشه) را فعال کردند و به شدت روند خوب همکاری میان ایران و آژانس را تخریب کردند. این دیپلمات چینی با بیان این که مسئله هسته‌ای ایران در وضعیت دشواری قرار دارد، تاکید کرد کشورهایی که به طور بی‌رویه به استفاده از زور و اعمال فشار می‌پردازند، توجهی به مسئولیت خود ندارند.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

گزارش BBC: پیروزی متحدان ایران و شکست سکولارها در انتخابات عراق

شبکه دولتی انگلیس، ائتلاف متحدان ایران را بزرگ‌ترین برندگان انتخابات عراق، و سکولارها را بزرگ‌ترین بازندگان معرفی کرد.

وب‌سایت بی‌بی‌سی در گزارشی با عنوان «برندگان و بازندگان انتخابات عراق؛ گروه‌های حامی ایران چه عملکردی داشتند؟»، نوشت: براساس اعلام کمیسیون انتخابات، میزان مشارکت بیش از ۵۶درصد بود و در مقایسه با انتخابات اکتبر ۲۰۲۱، تعداد رای‌دهندگان به طور قابل‌توجهی بیشتر شده بود. هیچ ائتلاف سیاسی واحدی موفق به کسب اکثریت نشد، و به این ترتیب گروه‌ها و ائتلاف‌های پیروز باید بار دیگر یک دولت ائتلافی را براساس فرمول تقسیم قدرتی که پس از سال ۲۰۰۳ تعریف شده، تشکیل دهند: رئیس‌جمهور کرد، نخست‌وزیر شیعه و رئیس‌مجلس سنی.

ائتلاف «بازسازی و توسعه» محمد شیاع سودانی، نخست‌وزیر، به عنوان بزرگ‌ترین برنده روی کاغذ ظاهر شد و توانست ۴۶ کرسی را کسب کند. این فهرست شامل دو فراکسیون موفق بود که رهبران آن‌ها با نیروهای حشد شعبی (بسیج مردمی) در ارتباط هستند؛ فالح فیاض، رئیس حشد شعبی (با هشت کرسی) و احمد اسدی، وزیر کار (با هفت کرسی). با این حال، ائتلاف سودانی با فیاض و اسدی نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند. هر دو نفر پیش‌تر در سال ۲۰۱۸ با پشت کردن به حیدر عبادی، نخست‌وزیری که متحدش بودند، به چارچوب هماهنگی پیوستند. ائتلاف دولت قانون، یکی از گروه‌های چارچوب هماهنگی به رهبری نوری مالکی، نخست‌وزیر سابق، که سهمش از ۳۸ کرسی در سال ۲۰۲۱ به ۲۹ کرسی کاهش یافت. صادقون، وابسته به عصائب اهل الحق، شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران به رهبری قیس خزعلی، بزرگ‌ترین جهش انتخاباتی را داشت و از ۹ کرسی در سال ۲۰۲۱ به ۲۷ کرسی رسید. سازمان بدر، یکی از قدیمی‌ترین گروه‌های شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران در عراق به رهبری هادی عامری، برای اولین‌بار به صورت مستقل در انتخابات شرکت کرد و از ۱۳ کرسی در سال ۲۰۲۱ به ۱۸ کرسی صعود کرد. این گروه به مدت یک دهه بر پست‌های کلیدی امنیتی تسلط داشته است. ائتلاف نیروهای دولتی، فهرست شیعه به رهبری عمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی که در انتخابات قبلی چهار کرسی به دست آورده بود، این‌بار ۱۶ کرسی پارلمان را کسب کرد. فراکسیون حقوق، وابسته کتائب حزب‌الله، گروه شبه‌نظامی قدرتمند تحت حمایت ایران، شش کرسی خود را حفظ کرد.

شکست بزرگ نیروهای سکولار / نیروهای سکولار و لیبرال عراق، که همواره حامی یک دولت مدنی و غیرفرقه‌ای بوده‌اند، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازندگان انتخابات شناخته شدند. جنبش مدنی، با وجود امیدها برای بهره بردن از سرخوردگی عمومی نسبت به سیاستمداران موجود، نتوانست نارضایتی عمومی را به دستاوردهای انتخاباتی تبدیل کند، و یک شکست غیرمنتظره و شدید را برای هواداران و حامیان فکری خود رقم زد. بیشتر کنشگران مدنی و لیبرال زیر چتر ائتلاف بدیل، به رهبری عدنان زرفی، استاندار سابق نجف و چهره مخالف شبه‌نظامیان، متحد شده بودند.

این ائتلاف احزاب مختلفی را گرد هم آورده بود: حزب استقلال (که کرسی خود را از دست داد)، حزب کمونیست عراق، البیت الوطنی، جنبش ملی مدنی و دیگر گروه‌های کمتر شناخته شده، و همین‌طور فعالان جنبش اعتراضی اکتبر ۲۰۱۹ معروف به جنبش/ انقلاب تشرین (اکتبر).

این نتایج چه معنایی برای تشکیل دولت دارد؟ مجلس جدید عراق رئیس‌جمهور این کشور را انتخاب خواهد کرد، که او نیز به نوبه خود باید نامزد بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمانی را برای تشکیل دولت معرفی کند. چارچوب هماهنگی، بدون احتساب ائتلاف سودانی، حدود ۹۰ کرسی در اختیار دارد. این تعداد به چارچوب امکان می‌دهد با همراهی برخی شرکای سنی و کرد، یک بلوک جایگزین تشکیل دهند؛ مگر آنکه سودانی زیر چتر این ائتلاف بماند و برای دوره دوم از حمایت آن برخوردار شود.

خبرنگار صهیونیست: نفوذ جاسوسی ایران در اسرائیل عمیق است

در حالی که هر هفته خبر تازه‌ای از شناسایی چند جاسوس دیگر ایران در اسرائیل منتشر می‌شود، یک مقام اطلاعاتی سابق این رژیم تاکید کرد وارد جنگ فرسایشی شدن برای اسرائیل پرهزینه است.

دنی سیتبرینوویچ رئیس سابق میز ایران در اطلاعات ارتش اسرائیل گفت: ایران پس از هر حمله، توان هسته‌ای و موشکی خود را دوباره می‌سازد و این روند هربار سریع‌تر و قدرتمندتر می‌شود.

وی افزود: دانش و زیرساخت فنی تهران از بین‌رفتنی نیست و برنامه غنی‌سازی و توسعه موشکی همچنان پابرجاست. هر حمله تازه به برنامه موشکی ایران بهای سنگینی دارد و اسرائیل می‌داند وارد جنگ فرسایشی شدن برایش پرهزینه است.

سیتبرینوویچ تاکید کرد: مردم ما دوست دارند فکر کنند ایران دروغ می‌گوید، اما باید گفت تهران در این جنگ دستاوردهایی داشت. ایران در جنگ اخیر تا آخرین روز توان شلیک موشک را حفظ کرد و ساختار سیاسی‌اش پابرجا ماند.

همزمان، شبکه آی ۲۴ اسرائیل به نقل از منابع غربی گزارش داد: ایران در پی جنگ ۱۲روزه، در بازسازی توان موشک‌های بالستیک خود سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی انجام داده است. این منابع گفتند تهران به این نتیجه رسیده است که برای ضربه زدن به نقاط آسیب‌پذیر اسرائیل به حجم بالایی از موشک‌ها نیاز دارد.

از سوی دیگر، پلیس و سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شین‌بت) اعلام کردند سه شهروند این رژیم، از جمله یک سرباز وظیفه و یک سرباز ذخیره نیروی هوایی، به اتهام جاسوسی برای ایران و ارتکاب جرایم امنیتی سنگین محاکمه شده‌اند. یک سرباز مستقر در پایگاه هوائی حتسریم برای تهران عملیات جمع‌آوری اطلاعات و ماموریت‌هایی انجام داده است. رافائل روبینی، از بثرشبع، در هفته‌های اخیر با عوامل ایران در تماس بوده و با آگاهی از هدایت ایران، اقداماتی انجام داده که می‌توانست به امنیت اسرائیل آسیب بزند.

عمیت سیگال، خبرنگار صهیونیست درباره بازداشت جاسوس جدید نوشت: عمق نفوذ جاسوسی ایران؛ مظنون دستگیر شده، یک نظامی در پایگاه «حتسریم» وابسته به نیروی هوایی ارتش اسرائیل است.

در همین حال رسانه‌های صهیونیستی خبر دادند: ایران حرکت دوگانه‌ای انجام داده است؛ سه شهروند اسرائیلی به اتهام جاسوسی بازداشت شدند. این سه نفر، مأموریت‌های جاسوسی برای ایران انجام داده‌اند. ایران تلاش می‌کند در نیروی هوائی نفوذ کند، و شاباک فاش کرده که چگونه اطلاعات ایران موفق شد یک نظامی را که در پایگاه حتزاریم نیروی هوائی خدمت می‌کرد، به خدمت بگیرد. او اقداماتی در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و اجرای مأموریت‌ها برای دستگاه اطلاعاتی ایران انجام داده است. در پرونده‌ای دیگر، یک ساکن کریات‌یام بازداشت شده برای ایران جاسوسی کرده و از جمله طبق دستور، اطلاعاتی از شریک زندگی خود که در نیروی هوائی خدمت می‌کند، جمع‌آوری کرده است.

این هفته همچنین اجازه انتشار این خبر داده شد که شیمعون اززرر، ساکن ۲۷ساله کریات‌یام، و شریک زندگی‌اش، به‌ظن ارتکاب جر